



بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح - 11 / مهر / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

بسیار خرسندم و خدا را شاکرم که بعد از یک تعطیلی نسبتاً طولانی در دیدار حضوری با شما جوانان عزیز و دانش‌آموختگان و سردوشی‌بگیران، امسال در این روز این توفیق مجدداً دست داد. ورود چند هزار جوان به نیروهای مسلح یک مژده است، یک بشارت است که هر سال تکرار میشود. چه جوانهایی که دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها هستند و درجه‌ی افسری میگیرند و وارد میشوند، مشغول کار میشوند، چه کسانی که وارد دانشگاه میشوند و سردوشی میگیرند و مشغول تحصیل میشوند، هر کدام به نحوی روحیه‌ی جدیدی را به نیروهای مسلح تزریق میکنند. این ورود جوانها دارای پیام‌نوسازی و استحکام است؛ جوانها هر جا که وارد میشوند، در هر مجموعه‌ای، در هر سازمانی که وارد بشوند، در واقع پیام استحکام و نوسازی آن مرکز را با خود همراه دارند. حضور جوانان ایرانی در همه‌ی زمینه‌ها امیدآفرین است؛ یعنی در بخشهای گوناگون علمی، اقتصادی، سیاسی، تشکیلاتی، نظامی و غیره، هر جا جوانها وارد میشوند، با خودشان مژده‌ی امید و نوسازی و نوآوری را به همراه می‌آورند.

امروز یک جریان تبلیغاتی گمراه‌کننده‌ای وجود دارد که میخواهد عکس این را تبلیغ بکند؛ همت این جریان تبلیغاتی این است که وانمود کند جوان ایرانی از ارزشها گسسته است و به آینده ناامید است و احساس مسئولیت نمیکند؛ این را یک جریان تبلیغاتی دارند بشدت دنبال میکنند. این، عکس واقعیت است؛ درست نقطه‌ی مقابل واقعیت موجود در کشور ما است. نسل جوان ما در همه‌ی عرصه‌ها و میدانها تا امروز دارای حرکت درخشان بوده است، در آینده هم ان شاء الله همین جور خواهد بود؛ چه در دفاع از میهن، چه در دفاع از امنیت، چه در کمک به جبهه‌ی مقاومت در کل منطقه - در همین حرکت عظیم و مقدس دفاع از حرم - چه در خدمات اجتماعی، چه در پیشرفتهای علمی - که شما که نگاه میکنید، پیشرفتهای علمی در هر نقطه‌ای در واقع بر دوش جوانها است و آنها هستند که پیشران این حرکتند - چه در همه‌ی آئینهای مذهبی، این راه‌پیمایی اربعین - چه میلیون‌ها جوان ایرانی که رفتند و راه نجف تا کربلا را طی کردند و چه میلیون‌ها جوانی که در خود کشور، در شهرها، به عنوان اربعین، به عنوان دورافتادگان از آن سرمنزل بشارت و معنویت راه‌پیمایی کردند - چه در میدان تولید و ابتکار که خبرهای آن را در تلویزیون مشاهده میکنید که هر روزی در یک بخشی از بخشهای تولید کشور و صنعت کشور یک حرکت جدیدی را جوانهای ما دارند ارائه میدهند، چه در مقابله‌ی با بیماری همه‌گیر و چه در نهضت کمک مؤمنانه، چه در جهاد فرهنگی، چه در امداد به مناسبت حوادث طبیعی، سیل و زلزله و امثال اینها؛ در همه جا که شما نگاه میکنید، حضور جوانان را به صورت پُررنگ می‌بینید. این جوان نمیتواند ناامید باشد، این جوان نمیتواند گسسته‌ی از ارزشها باشد، این جوان یک نیروی خستگی‌ناپذیر در وسط جبهه است و البته جوانان انقلابی و بالیمان در همه‌ی این موارد پیشتاز بودند. این وضع جوانها است.

خب، با این نگاه اگر حضور شما را - که در این دانشگاه امام حسن مجتبی‌ی اجتماع کرده‌اید و در دانشگاه‌های دیگر دارند می‌شنوند این سخن را - مشاهده کنیم، حضور شما و ورود شما در نیروهای مسلح یک ثروت بزرگ است؛



حضور شما یک ثروت بزرگ است، البته در کنار تجربه‌ی پیش‌کسوتان و دانش فرماندهان.

تقویت نیروهای مسلح تقویت کشور است. یکی از ستونهای محکم در تقویت کشور، نیروهای مسلح هستند. البته تقویت کشور فقط به نیروی مسلح وابسته نیست؛ ستونهای محکم دیگری هم هستند: پیشرفت علمی مایه‌ی پیشرفت کشور است؛ ایمان عمومی مردم و رسوخ ایمان در دلها مایه‌ی استحکام ملی است؛ حکومت برخاسته‌ی از مردم و متکی به مردم مایه‌ی سربلندی یک کشور است؛ همه‌ی اینها هست، لکن حضور نیروهای مسلح و قدرت نظامی هم یک وسیله‌ی مهمی برای تقویت بنیه‌ی کشور است. این عوامل گوناگون میتوانند کشور را از آسیب‌ها و دشمنی‌ها حفظ کنند و حراست کنند. البته این مال همه‌ی کشورها است، مخصوص کشور ما نیست؛ همه‌ی کشورها احتیاج دارند به این ابزارهای استحکام، لکن در کشوری مثل کشور ما که با دشمنان قلدر و زورگو مثل آمریکا و امثال آنها روبه‌رو است، این اهمیت بیشتری دارد؛ لذا قدرت دفاعی باید تقویت بشود.

این را من همیشه گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم: قدرت دفاعی باید تقویت بشود. بخشی از سوی بیرون نیروهای مسلح، بخشی از سوی درون نیروهای مسلح؛ من به این دو می‌پردازم. مسئولان نیروهای مسلح باید راهکارهای نو و روزآمد را برای تقویت نیروهای مسلح در پیش بگیرند که از جمله‌ی آنها هوشمندسازی در آموزشها و در ابزارهای نظامی است که بحمدالله در نیروهای مسلح ما شروع شده، لکن میدان کار هنوز خیلی باز است. امروز هوشمندسازی تمام حرکات نیروهای مسلح از جمله ابزارهای نظامی، سلاح و حتی مهمات یکی از مسائل مهم است. یا پیشرفتهای پژوهشی و علمی در نیروهای مسلح که این، تقویت نیروهای مسلح است. یا طراحی بازیهای پیچیده‌ی جنگ ترکیبی. امروز جنگهای دنیا جنگهای ترکیبی است. میدانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاحهای گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه‌ی تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازیهای جنگ بایستی بتواند همه‌ی این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان شاءالله تأمین کند.

خب، مسئولیت اصلی نیروهای مسلح چیست؟ حراست از امنیت ملی؛ این، آن چیزی است که شما جوانها که تازه وارد این راه شده‌اید، باید به آن ببالید، باید افتخار کنید، سربلند باشید. مسئولیت نیروهای مسلح، مسئولیت امنیت عمومی کشور است. «امنیت» یعنی چه؟ امنیت زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است، یک زیرساخت عمومی است؛ از مسائل شخصی بگیرید، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل عمومی، تا مسائل خارجی؛ امنیت زیرساخت همه‌ی اینها است. در مسائل شخصی، معنای امنیت این است که شما شب بتوانی با خیال راحت در خانه‌ی خودت بخوابی، صبح بتوانی با خیال راحت و بدون دغدغه فرزندت را به مدرسه بفرستی، بتوانی به محل کسب و کار بروی، بتوانی بدون دغدغه به نماز جمعه بروی. ببینید، به آن کشورهایی نگاه کنید که این بی‌دغدگی را ندارند در هیچ کدام از این مراحل؛ نه شب با خیال راحت میتوانند بخوابند، نه روز میتوانند سر کار بروند، نه میتوانند با خیال راحت به تماشای بازیهای ورزشی بروند، نه میتوانند به نماز جمعه بروند، نه میتوانند به مسافرت بروند. مخصوص کشورهای کوچک هم نیست؛ در کشورهای بزرگ، از همه بدتر آمریکا، در رستوران امنیت نیست، در دانشگاه امنیت نیست، در مدرسه‌ی کودکان امنیت نیست، در فروشگاه امنیت نیست. «امنیت» در مسائل شخصی یعنی این؛ یعنی شما بتوانید خودتان، فرزندان، خانواده‌تان با احساس امنیت زندگی کنید؛ کارتان، کسبتان، مسافرتان، تفریحاتان همراه با امنیت باشد.



در مسائل عمومی‌تر، در دانشگاه یا حوزه‌ی علمیّه یا پژوهشکده یا اندیشکده ؛ بتوانید بنشینید فکر کنید، کار کنید، تحقیق کنید، مطالعه کنید ؛ بدون امنیّت نمیشود. امنیّت اگر نبود، این پیشرفته‌ها حاصل نمیشد ؛ هر جایی که پیشرفتی حاصل شده است به برکت وجود امنیّت بوده است ؛ بدون امنیّت، کار دشوار میشود، سخت میشود. تا سرمایه‌گذاری اقتصادی ؛ [اگر] بخواهید برای پیشرفت اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنید، بدون امنیّت نمیشود ؛ ترانزیت بدون امنیّت نمیشود، تولید بدون امنیّت نمیشود ؛ امنیّت زیرساخت همه‌ی این چیزها است.

خب سازمانهای مسلّح، تأمین‌کننده‌ی این نیاز همیشگی و همه‌جایی برای کشور و برای عموم مردم جامعه هستند ؛ این، کم افتخاری نیست. ارتش یک جور، سپاه یک جور، سازمان انتظامی یک جور، بسیج یک جور، هر کدام به نحوی تأمین‌کننده‌ی امنیّت هستند. آن کسی که به پاسگاه پلیس حمله میکند، [دارد] به امنیّت کشور حمله میکند ؛ آن که به پایگاه بسیج حمله میکند، دارد به امنیّت کشور حمله میکند ؛ آن که در اظهارات، در سخنرانی، در گفتگوها ارتش را یا سپاه را مورد طعن قرار میدهد، به امنیّت کشور دارد اهانت میکند. تضعیف سازمانهای نیروهای مسلّح، تضعیف امنیّت کشور است. تضعیف پلیس به معنای تقویت مجرمین است. پلیس موظف است در مقابل مجرم بایستد، امنیّت آحاد مردم را تأمین کند. آن کسی که به پلیس حمله میکند، در واقع مردم را بی‌دفاع میگذارد در مقابل مجرمین، در مقابل اراذل و اوباش، در مقابل دزد، در مقابل زورگیر. امتیاز بزرگ کشور ما این است که امنیّتی که داریم، امنیّت درون‌زا است. فرق دارد که یک کشوری، یک ملّتی، از درون خود، با نیروهای خود، با قدرت خود، با اندیشه و فکر خود برای خودش امنیّت ایجاد کند، یا یکی از بیرون بیاید بگوید من برای شما امنیّت ایجاد میکنم، شما را حفظ میکنم ؛ مثل کسی که از گاو شیرده خودش حراست میکند ؛ خیلی با هم فرق دارند. امنیّت ما درون‌زا است. ما به هیچ کس برای امنیّت خودمان متکی نیستیم. ما با نیروی خداداد، به لطف الهی، به توفیق پروردگار، به پشتیبانی ولیّ عصر (ارواحنا فداه)، به پشتیبانی ملّت، با ایستادگی مسئولان نیروهای مسلّح، این امنیّت را توانسته‌ایم به وجود بیاوریم و حفظ کنیم. آن که به نیروی خارجی متکی است، همان نیروی خارجی او را در روز مبادا وا خواهد گذاشت ؛ نه میتواند و نه میخواهد از او حراست کند و حفاظت کند. خب، این جملاتی درباره‌ی مسائل نیروهای مسلّح ؛ اینها را به یاد داشته باشید ؛ افتخار کنید، دنبال این حرکت کنید، کارتان را کاری مطابق رضای خدا بدانید و برای خدا این کار را دنبال کنید.

و اما چند جمله درباره‌ی حوادث اخیر. اوّلین چیزی که من میخواهم بگویم، این است که در این حوادث چند روز اخیر، بیش از همه به سازمان انتظامی کشور ظلم شد، به بسیج ظلم شد، به ملّت ایران ظلم شد ؛ ظلم کردند. البته ملّت در این حادثه هم مثل حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد ؛ مثل همیشه، مثل گذشته ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. در آینده هم هر جا دشمنان بخواهند اختلالی ایجاد کنند، آن که بیش از همه سینه سپر میکند و بیش از همه اثر میگذارد، ملّت شجاع و مؤمن ایران است ؛ وارد میدان میشوند ؛ و وارد میدان شدند. بله، ملّت ایران، مظلوم است اما قوی است ؛ مثل امیرالمؤمنین، مثل مولای متقیان، سرور خودش علی (علیه السّلام) که قوی‌ترین بود و مظلوم‌ترین.

در این حادثه‌ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت ؛ خب حادثه‌ی تلخی بود، دل ما هم سوخت، ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ گونه امر مسلمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عده‌ای بیایند خیابان را ناامن کنند، ناامنی را برای مردم به وجود بیاورند، امنیّت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجّه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین‌های مردم



را آتش بزنند. واکنش به یک قضیه‌ای که حالا تأسّف‌آور هم هست، موجب نمیشود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی شده بود. اگر قضیه‌ی این دختر جوان هم نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست میکردند برای اینکه امسال در اوّل مهر به دلیلی که عرض خواهم کرد، در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده بصراحت میگویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عمّله و مزدوران و حقوق‌بگیران آنها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به اینها کمک کردند.

بعضی‌ها تا ما میگوییم «فلان حادثه را دشمن خارجی ایجاد کرده»، روی این کلمه‌ی «دشمن خارجی» کأته حسّاسیت دارند؛ تا میگوییم «آقا! این کار، کار خارجی‌ها بود، کار دشمنان خارجی بود»، فوراً سینه سپر میکنند برای دفاع از سازمان جاسوسی آمریکا یا صهیونیست‌ها! انواع تحلیل را، انواع لفاظی‌های مغالطه‌آمیز را وسط میکشند برای اینکه اثبات کنند که نه، پای خارجی‌ها، دست خارجی‌ها در این قضیه وجود نداشته. در دنیا خیلی اغتشاشات به وجود می‌آید؛ خب شما نگاه کنید در اروپا، در فرانسه، هر چند وقت یک بار یک اغتشاش مفصّل در خیابانهای پاریس به راه می‌افتد؛ من سؤال میکنم که آیا سابقه دارد رئیس‌جمهور آمریکا و مجلس نمایندگان آمریکا از اغتشاشگران حمایت بکنند؟ آیا سابقه دارد که پیام بفرستند که ما در کنار شما هستیم؟ آیا سابقه دارد که رسانه‌های جمعی وابسته‌ی به سرمایه‌داری آمریکا و دولت آمریکا و مزدوران آنها مثل متأسّفانه بعضی از دولتهای منطقه، از جمله دولت سعودی، به راه بیفتند برای اینکه از اغتشاشگر حمایت بکنند؟ چنین چیزی سابقه دارد؟ سابقه دارد که اعلان کنند ما فلان سخت‌افزار و فلان نرم‌افزار اینترنتی را در اختیار اغتشاشگران قرار میدهیم تا بتوانند با هم راحت ارتباط برقرار کنند و کارشان را دنبال کنند؟ چنین چیزی در هیچ جای دنیا، در هیچ یک از کشورها سابقه دارد؟ اما اینجا اتفاق افتاد؛ نه یک بار، نه دو بار، بارها و بارها. خب، چطور شما دست خارجی را نمی‌بینید؟ چطور انسان هوشمند احساس نکند که پشت صحنه‌ی این حوادث دستهای دیگری در کارند، سیاستهای دیگری در کارند؟

البته آنها بدروغ اظهار تأثر میکنند برای اینکه یک نفری از دنیا رفته؛ [اما] دروغ میگویند و به هیچ وجه متأثر نیستند؛ خوشحالند، شادمانند برای اینکه یک بهانه‌ای به دست آوردند تا بتوانند حادثه‌آفرینی کنند؛ دروغ میگویند. اینجا مسّئولان سه قوه اظهار تأسّف کردند، همدردی کردند با اینها؛ خب، بعد عناصر خاصی که حالا من اشاره خواهم کرد، افراد دیگری را به قتل میرسانند، بدون جرم، بدون جنایت. قوه‌ی قضائیه قول داد کار را تا نهایت دنبال کند؛ خیلی خب، تحقیق یعنی همین؛ یعنی کار را دنبال کنند، ببینند، نتیجه معلوم بشود، ببینیم مقصّر وجود دارد یا ندارد و مقصّر کیست. چطور شما یک سازمان را، یک مجموعه‌ی عظیم خدمتگزار را، مورد تهمت قرار میدهید، مورد اهانت قرار میدهید برای احتمال اینکه یک خطائی از یک نفر یا دو نفر سر زده باشد که آن هم یقینی نیست و تحقیق نشده است؟ هیچ منطقی پشت سر این حرف نیست؛ این جز کار دستگاه‌های جاسوسی، جز کار سیاستمداران خبیث عنود خارجی هیچ عامل دیگری ندارد.

خب، حالا انگیزه‌ی دولتهای خارجی چیست؟ آنچه بنده احساس میکنم، انگیزه‌ی آنها این است که احساس میکنند کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمیتوانند تحمل کنند؛ این را احساس میکنند، می‌بینند. می‌بینند که بحمدالله بعضی از گره‌های قدیمی در حال گشوده شدن است. البته کشور خیلی مشکل دارد، بر بعضی از این مشکلات سالها گذشته، [اما] حرکت جدّی‌ای وجود دارد برای برطرف کردن این مشکلات، برای



گشودن این گره‌ها. حرکت به سمت پیشرفت را می‌بینند که شتاب گرفته در کشور؛ این واقعیتی است. در همه‌ی بخش‌ها یک حرکت شتابنده‌ای را انسان مشاهده می‌کند، احساس می‌کند؛ این را آنها هم احساس می‌کنند. آنها نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد. می‌بینند که کارخانه‌های نیمه‌تعطیل به کار افتاده، می‌بینند که دانش‌بنیان‌ها فعال شده‌اند، می‌بینند که تولیدات پیشرفته در بعضی از بخش‌ها روزبه‌روز خود را دارد نشان می‌دهد، می‌بینند که کارهایی دارد انجام می‌گیرد که میتواند تهاجم تحریم را – که تنها اسلحه‌ی دشمن فعلاً تحریم است – خنثی کند؛ این را مشاهده می‌کنند. برای اینکه این حرکت را متوقف کنند، نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ برنامه‌ریزی کرده‌اند برای دانشگاه، برنامه‌ریزی کرده‌اند برای خیابان؛ برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ دشمن برنامه‌ریزی کرده که دانشگاه تعطیل بشود، نسل جوان سرگرم بشوند، برای مسئولین کشور مسائل جدیدی به وجود بیاید؛ در شمال غرب کشور، در جنوب شرق کشور مسائلی به وجود بیاید؛ اینها همه سرگرم‌کننده است؛ اینها کارهایی است که برای این دارد ایجاد میشود و تحریک میشود که حرکت پیشرونده‌ی کشور را متوقف کنند. البته اشتباه می‌کنند؛ هم در شمال غرب اشتباه می‌کنند، هم در جنوب شرق اشتباه می‌کنند. من در میان قوم بلوچ زندگی کرده‌ام؛ جزو اقوام وفادار عمیق به انقلاب اسلامی و به جمهوری اسلامی‌اند. قوم کرد یکی از پیشرفته‌ترین اقوام ایرانی‌اند؛ علاقه‌مند به میهنشان، علاقه‌مند به اسلامشان، علاقه‌مند به نظام اسلامی‌شان. نقشی آنها نخواهد گرفت، اما آنها زهر خودشان را میریزند، کار خودشان را میکنند.

این [کارها] نشان‌دهنده‌ی باطن دشمنان ما است. آن دشمنی که در اظهارات دیپلماسی می‌گوید ما قصد تهاجم به ایران را نداریم، ما قصد تغییر نظام جمهوری اسلامی را نداریم، ما با شما دشمنی نداریم و با ملت ایران موافقیم، باطنش این [چیزی] است که مشاهده می‌کنید؛ باطنش توطئه است، باطنش ایجاد اغتشاش است، باطنش نابود کردن امنیت کشور است، باطنش تحریک هیجان کسانی است که با یک هیجانی ممکن است تحریک بشوند و بیایند وسط خیابان؛ باطنش این است.

آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است. همه‌ی بحث آنها، همه‌ی دعوای آنها سر جمهوری اسلامی نیست؛ البته با جمهوری اسلامی بشدت و عمیقاً دشمنند، در این شکی نیست، اما بدون جمهوری اسلامی هم با ایرانی که قوی باشد مخالفند، با ایرانی که مستقل باشد مخالفند. آنها ایران دوران پهلوی را دوست دارند؛ گاو شیرده و مطیع اوامر آنها که شاه مملکت برای یک تصمیم، ناچار بشود سفیر انگلیس یا سفیر آمریکا را بخواهد و از او کسب تکلیف بکند! این ننگ را ملت ایران چگونه میتواند تحمل بکند؟ آنها این را میخواهند؛ با ایران مخالفند.

خب؛ عرض کردیم که این زورگویان اینها هستند، فرمان دست‌انمایی است که پشت صحنه هستند. بنابراین، دعوای بر سر مسئله‌ی باحجاب و بدحجاب نیست؛ دعوای بر سر از دنیا رفتن یک دختر جوان نیست؛ دعوای اینها نیست. خیلی از این کسانی که حجاب کاملی هم ندارند، جزو هواداران جدی نظام جمهوری اسلامی هستند؛ شما می‌بینید در مراسم مذهبی، در مراسم انقلابی، اینها شرکت میکنند؛ بحث سر اینها نیست. بحث سر اصل استقلال و ایستادگی و تقویت و اقتدار ایران اسلامی است؛ بحث سر این است.

من یکی دو نکته را عرض بکنم، عرایض را تمام کنم. یک نکته این است که این کسانی که در خیابان فساد و تخریب میکنند و کردند، اینها همه یک حکم ندارند. بعضی از اینها جوانان و نوجوانانی هستند که هیجان ناشی از ملاحظه‌ی



فرض کنید که فلان برنامه‌ی اینترنتی اینها را به خیابان میکشاند؛ هیجانی‌اند، احساساتی‌اند، احساساتی میشوند می‌آیند. البته همه‌ی اینها، در مجموع، عده‌ی بسیار کمی هستند در مقابل ملت ایران و در مقابل جوانان مؤمن و غیور ایران اسلامی؛ لکن همینهایی که هستند، یک عده‌شان کسانی هستند که آنها را احساسات و هیجان به خیابان میکشاند؛ مشکل اینها را با یک تنبیهی (۲) میشود حل کرد؛ یعنی هدایتشان کرد و تفهیم کرد که اشتباه میکنند؛ لکن بعضی از اینها این جور نیستند؛ بعضی از اینها بازمانده‌های عناصر ضربت‌خورده‌ی چهل سال گذشته هستند: منافقین، تجزیه‌طلب‌ها، بقایای رژیم منحوس پهلوی، خانواده‌های ساواکی‌های مطرود و منفور که بیانیّه‌ی اخیر وزارت اطلاعات تا حدود زیادی برخی از این مطالب را روشن کرد؛ (۳) البته مطالب بیشتری هم وجود دارد. قوه‌ی قضائیه بایستی اینها را به میزان مشارکتشان در تخریب و ضربه‌ی به امنیت خیابانها محاکمه کند و برایشان مجازات معین کند.

یک نکته‌ی دیگر این است که در همان اوّل کار، بعضی از خواص، حالا ناشی از دلسوزی – دلشان سوخت – بدون تحقیق اطلاعیه دادند، بیانیّه دادند، حرف زدند، اظهاراتی کردند – البته تحقیق نکرده – بعضی‌هایشان سازمان انتظامی کشور را متهم کردند، پلیس را متهم کردند، بعضی‌شان مجموعه‌ی نظام را متهم کردند؛ هر کسی یک جوری یک حرکتی کرد. خب حالا حساب این جدا است، لکن بعد از آنکه دیدند قضیه چیست، بعد از آنکه فهمیدند در نتیجه‌ی حرفهای آنها همراه با برنامه‌ریزی دشمن چه اتفاقی در خیابان و در مسیر عمومی مردم می‌افتد، بایستی آن کار خودشان را جبران میکردند؛ باید موضع بگیرند، باید صریحاً اعلام کنند که با آنچه اتفاق افتاده مخالفند، بایستی تفهیم کنند که با برنامه‌ی دشمنان خارجی مخالفند. باطن قضیه معلوم شد. وقتی شما می‌بینید که عنصر سیاسی آمریکایی این قضایا را به دیوار برلین تشبیه میکند، خب باید بفهمید که غرض چیست؛ باید بفهمید که مسئله، مسئله‌ی دلسوزی برای یک دختر جوان نیست؛ این را باید می‌فهمیدید؛ اگر نفهمیدید، بفهمید؛ اگر نفهمیدید، باید موضع اعلام بکنید. این هم یک نکته.

برخی چهره‌های ورزشی و هنری هم موضع‌گیری‌هایی کردند؛ به نظر بنده هیچ اهمیّت ندارد؛ روی این نباید حساسیّت به خرج داد. جامعه‌ی ورزشی ما جامعه‌ی سالمی است، جامعه‌ی هنری ما هم جامعه‌ی سالمی است. عناصر مؤمن، علاقه‌مند، باسرف، در این جامعه‌ی ورزشی و هنری کم نیستند، زیادند؛ حالا چهار نفر هم یک حرفی می‌زنند؛ حرف آنها ارزشی ندارد. اینکه حالا آیا عناوین مجرمانه بر حرف آنها تطبیق میکند یا نه، به عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است، اما از لحاظ نگاه عمومی هیچ اهمیّتی و ارزشی ندارد و جامعه‌ی هنری ما و ورزشی ما با این گونه حرکتها، با این رفتارهای دشمن‌شادکن، آلوده نخواهد شد.

آخرین عرض من درود فراوان بر شهدای انتظامی، بر شهدای نیروهای مسلح، بر شهدای مدافع امنیت، بر شهدای اخیر و بر همه‌ی شهدای راه حق است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این مراسم – که در دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن (علیه السلام) برگزار شد – سرلشکر محمد باقری (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح)، دریادار دوّم آریا شفقت (فرمانده منتخب دانشگاه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران)، سرتیپ نعمان غلامی (فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین) و سرتیپ



دوم پرویز آهی (فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن) گزارشهایی ارائه کردند.
(۲) هشدار، تذکر

(۳) در بیانیه‌ی وزارت اطلاعات که در تاریخ (۱۴۰۱/۷/۸) منتشر شد، ضمن تشریح جزئیاتی از آشوبهای روزهای اخیر در برخی نقاط کشور آمده است که در جریان این حوادث، ۴۹ نفر از عوامل و مرتبطین گروهک منافقین، ۷۷ نفر از عوامل گروهکهایی از قبیل کوموله، دموکرات، پاک و پژاک، ۵ عضو گروهکهای تکفیری - تروریستی، ۵ نفر از اعضای فرقه‌ی بهائیت، ۹۲ نفر از سلطنت‌طلبان و وابستگان رژیم منحوس پهلوی، ۹ نفر از اتباع بیگانه، تعدادی از عناصر مرتبط با رسانه‌های خارجی و ۲۸ نفر از اراذل و اوباش سابقه‌دار بازداشت شدند.